



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۰۱ جولای ۲۰۱۹

حنیف رهیاب رحیمی

روز جهانی تنبل ها!

روز جهانی تنبل را به تمام تنبل های رسمی و تنبل های غیر رسمی تبریک می گویم. تنبل های رسمی آنهایی اند که در دولت کار رسمی دارند، اکثر روزها صبح می روند دفتر، حضوری را امضاء می کنند و بعد تا آخر روز بجز قتل و قتل و مجروح ساختن یگان مگس بوسیله مگس کش و شپ کردن پیاله های متواتر چای سبز، دیگر کاری را مرتکب نمی شوند که به درد ملک و ملت بخورد. و یا در پارلمان، وکیل و نماینده چند صد هزار نفر هستند، بجای حل مشکلات مؤکلین شان و طرح قوانین اصلاحی، به مجردی که باسن خود را در چوکی چسپاندند، به خواب های مرغی و پینکی های مزه دار فرو می روند و روز خود را به آخر می رسانند.

تنبل های غیر رسمی آنهایی اند که ایشان را خداوند مفتخر به همین خصلت و اخلاق نموده و بیشترین فعالیت فزیکیشان که در اثر آن وجود شریف و نجیب شانر به تکلیف می سازند، فازه کشیدن و پلک زدن است. این گروپ لقب لَب یا لَاب را نیز از آن خود کرده است.

تنبل های دسته اول چون وقت وافر در اختیار دارند، در مراسم تجلیل روزهای جهانی دیگران مانند روز جهانی یخمالک بازی، روز جهانی شکمبوها، روز جهانی تشناب و غیره خود را بوقت مناسب می رسانند و بالای خوردنی ها با اخلاص عام و تام و از دل و جان هجوم می برند و کام دل شانرا خوب می گیرند. به این ترتیب به همین نعمت مفت خداداد، دل خوش کرده اند و ادعایی در سر ندارند.

اما تنبل های غیر رسمی که از همه صفات خجسته تنبل بودن برخوردار هستند، بالاخره خیر شدند که تقریباً برای هرکس روز جهانی در نظر گرفته شده و آنها روز شانرا تجلیل می کنند، از مقام و منزلت شان تقدیر بعمل می آید و حتی تحفه هایی نیز رد و بدل می گردد، در حالیکه به این قشر مظلوم تا حال کسی هیچ التفاتی نکرده اند بناءً بسیار مایوسانه همانگونه که پهلوی به پهلوی دراز کشیده بودند و دهن های شان باز مانده بود، به جلسه پرداختند. سرکرده شان که مانند چوچه فیل چند خروار گوشت و چربی بغل و بُل اش را احاطه کرده بود، با اشارات مخصوص که تنها خود شان معنی و مفهوم آنرا می فهمیدند به دیگران چنین خاطر نشان کرد:

- در تمام دنیا یک رفیق خوب پیدا کردن مانند کیمیا بته نایاب و مشکل شده، هرکس کوشش می کنه که ده جان یکدیگر خود بزنه و مقصد خود حاصل کنه، اما ناجوان ها یک روز را بنام «روز رفیق» تجلیل می کنند که یک بی انصافی بسیار زیاد اس.

درین وقت یکی دیگر شان که یک گروپ از مگس های گرسنه در لب و دهنش می چربند، با اشاره چشم و ابرو به دیگران فهماند که:

- زن ها هم روز جهانی دارند، نمی دانم چرا؟ مره خانم ایقدر طعنه بیکارگی و تنبلی را داد و بالايم کتره و کنایه گفت که خانه را برایش ایلا داده گریختم و آمدم اینجا! اگه نی شما بگوین، مره چه کده؟

- دیگرش با اشاره سر گفته رفیقش را تائید کرده اظهار داشت که: روز معلمه هم تجلیل می کنند در حالی که معلم ما مره هر روز قف پایی بالا میکند و ده شش سال بری مه یک حرفه هم یاد نداد.

چهارمی که لعاب دهانش هم روان بود تجلیل روز «جهانی سواد» را ناروا می دانست. او می گفت:

- ده رهبری تمام ادارات دولت، در پارلمان و حتی وزارت خانه ها مردمان بی سواد جای گرفته، باید روز «جهانی بیسوادی» را تجلیل کنند بجای روز سواد!

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلینکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولی

بحث‌ها در خصوص روز‌های جهانی ادامه داشت یک نفر از این دسته که خیلی شوق داشت بجای این وظیفه فعلی! یک وکیل در پارلمان می‌بود خدا خدا می‌کرد که تا وکیل نشده روزی را بنام روز جهانی پارلمان نامگذاری نکنند.

عضو نازدانه این جمع که هزار گفتنی در معده اش داشت اما رمقی در بدن و حوصله اظهار کردنش را هیچ نداشت، با زبان بی‌حالی و اشاره ابروها دیگران را به احتجاج عمومی بخاطر دستیابی به حق مشروع شان یعنی تجلیل از «روز جهانی تنبل‌ها» تحریک کرد.

او چیزی ناگفته اما اضافه کرد که: روز جهانی هرکس تجلیل میشه یا نمیشه ما ره غرض نیست اما روز جهانی تنبل‌ها باید تجلیل شوه.

در اخیر جلسه هرکدام از اینقدر فعالیت سیاسی و اعتراضات بی‌صدا هل و مل شده بودند. چند دقیقه هرکدام شان تری تری طرف یکدیگر سیل کردند. هرچه انتظار کشیدند هیچکدام شان انرژی اینرا نداشت که قطعنامه این جلسه احتجاجیه و درخواست شانرا به روی کاغذ بریزد.

لحظه‌ای هنوز نگذشته بود که کوه‌های خواب بالای همه شان لمبید و هریک مانند مرغ‌های ناجور چشمهای شانرا بستند.